

به نام بلند او

۱۱۴۷۹۰۲

آنسو تر از عشق

مجموعه اشعار

و

گزیده‌ای از دلنوشته‌های

زنده‌یاد

نجمه پورحیدری زاده شهر بابک

به کوشش مهندس روح اله پورحیدری زاده شهر بابک

سرشناسه : پورحیدری زاده شهر بابک، نجمه، ۱۳۵۵ - ۱۳۷۶
 عنوان و نام پدیدآورنده : آنسو تر از عشق: مجموعه اشعار و گزیده ای از دلنوشته های زنده یاد
 نجمه پورحیدری زاده شهر بابک.
 مشخصات نشر : تهران: آرویح ایرانیان. ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۴ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۴-۰۷۹-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 آیه بندی، کنگره : PIRV۹۹۲/۳۳۲۵۱۸۱۴۱۸ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی : ۸۵۱/۶۲
 شماره شابشناسی ملی : ۲۶۲۶۹۹۸

حق چاپ و ای مؤلف محفوظ است.

آنسو تر از عشق

مجموعه اشعار

نجمه پور حیدری زاده شهر بابک

چاپ و نشر: آرویح ایرانیان

صفحه آرا: مریم اکبری پور

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۴-۰۷۹-۴

چاپ اول: ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

آدرس دفتر: خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی، خیابان جواد کارگر، پلاک ۱۴، واحد ۷

تلفن: ۷۷۵۳۷۰۷۶

آدرس چاپخانه: خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی، پلاک ۱۸۱

تلفن: ۷۷۵۰۰۵۶۵

فهرست

۷	 مقدمه
	اشعار منظوم
۱۳	 سرنوشت
۱۵	 صحبت با نگار
۱۶	 خار و خس
۱۷	 نیاس
۱۸	 خموشی
۱۹	 وسعت دست
۲۰	 ناز کم کن
۲۲	 پاکی
۲۳	 اتاق
۲۴	 گفتگوی بی پایان
۲۵	 قول بی بی
۲۶	 حضور آب
۲۷	 هیچ می دانید
۲۸	 کاش
۲۹	 تو بیا
۳۰	 ای تو
۳۱	 مرگ
۳۲	 واژه های سرد

- ۳۳ مرگ نرگس
- ۳۴ تو
- ۳۵ یک لحظه خواب
- ۳۶ ای خوش
- ۳۷ چرا نمی گویی
- ۳۸ هیچ است
- ۳۹ گریه ها
- ۴۰ نعره صد
- ۴۱ خطا
- ۴۲ بس است
- ۴۳ ای دریغ
- ۴۴ عاشقی
- ۴۵ بیدارم کن
- ۴۶ پرواز تمنا
- ۴۷ سرود پاییز
- ۵۰ رویای گذشته
- ۵۳ التهاب
- ۵۶ وحدت
- ۵۷ خواب آزادی
- ۶۱ آنسو تر از عشق
- ۶۴ بوته ای می خشکد
- ۶۶ داغ مثنوی

۶۹	 سلام ای نازنین
۷۱	 الا ای
۷۳	 سلام بر گل
۷۵	 آینه
۷۶	 از برایت
۷۷	 خماری
۷۹	 جان من رفت
۸۰	 کوی اول
۸۱	 راه گزیده
۸۲	 دو بیتی ها
	شعرهای سپید
۸۹	 غزل در سایه روشن
۹۱	 واقعیت
۹۳	 تا صبح
۹۴	 باید دوید
۹۹	 باور کن نمی شود خندید
۱۰۰	 پرواز از خاکستری بودن
۱۰۲	 دعوت
۱۰۴	 آدمک ها
۱۰۷	 به تو می اندیشم
۱۰۹	 ترس
۱۱۰	 تنهایی ناب

۱۱۲	 رفتن در ناتمام
۱۱۳	 دوستان آینه را ناشکنید
۱۱۴	 آرام شو
۱۱۵	 دختر همسایه
۱۱۷	 پدرم تب دارد
۱۱۹	 در
۱۲۰	 این مشت مترسک
۱۲۱	 هدفم
۱۲۳	 انسان که در ایت
۱۲۵	 من می ترسم
۱۲۷	 می شود
۱۲۹	 شرم باد
۱۳۱	 زخم های کهنه
۱۳۴	 دریچه
۱۳۶	 خدا داند
۱۳۸	 روزی که
۱۳۹	 نفرین
۱۴۱	 دل نوشته ها

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

نجمه پورحیدری زاده شهر بابک در اسفند سال ۱۳۵۶ در شهرستان شهر بابک دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی و نوجوانی، به تحصیل در رشته ادبیات و علوم انسانی در دبیرستان مشغول گردید. پس از پایان تحصیلات متوسطه، در رشته الهیات گرایش ادیان و عرفان دانشگاه تبریز پذیرفته شد اما متأسفانه قبل از ورود به دانشگاه در اثر سانحه تصادف، در ۲۱ شهریور سال ۱۳۷۶ در سن ۲۰ سالگی دیده از جهان فرو بست. به دیدار معشوق شتافت.

زندگی کوتاه او را می توان به دو بخش تقسیم کرد در بخش اول وجود او سراسر برپا از موامنتی در مورد گذشته و آینده و هدف از زندگی انسان که وی را دچار یک سری سرگشتگی هایی می کرد که جواب های مبهم و سطحی نیز بر این سرگشتگی ها می افزود. این مطلب در یکی از شعرهایش به وضوح بیان شده است:

«و من اینجا هدف را چون طلسم پریوش در میان خاکروب اجتماعم

گم نمودم

هدف گم شد

بدان ای چهره نا آشنای پشت دیوار

بدان ای سایه غمگین بر آئینه مانده

اگر من گم شدم این را بدان چون که هدف گم شد»

در بخش دوم زندگی او که بخش یافتن جواب روشن سوالات و رفع بسیاری از ابهامات بود، او در آرامشی وصف ناشدنی در مسیر سلوک

الی الله قرار گرفت. در طول مدت عمر کوتاهش به چنان پیشرفتی از لحاظ روحی و معنوی دست پیدا کرد که برای بسیاری از اطرافیان و دوستان دور از تصور بود. اما با دقت و ژرف اندیشی در نوشته‌ها و اشعار پرمغز و مفهومی، می‌توان گوشه‌ای از رشد بسیار عظیم او را درک کرد. اشعار نجمه خود گویا و تایید کننده رشد معنوی اوست. روحیه تعمق و ژرف‌نگری و پرسش‌های همیشگی از چند و چون همه مسائل درونی و بیرونی و عدم اکتفا به پاسخهای سطحی و همچنین عدم جواب‌های صحیح و عمیق به او در رشد روحی و معنوی‌اش بسیار کمک می‌کرد. این نگاه دقیق و موشکافانه در شعر «باید دوید» به خوبی مشخص است:

«باید چشم را نبست

باید بسته شد، دوید، تا سایه را حس کرد

تا آب پاشی ابر را قدر دانست

تا ناسپای نبود

باید به پرواز بی توجه نبود

و در انحراف فکر به خاطر سرسکی تامل کرد

باید گریست سپس نگاه کرد باید گدا شد، پدر درخواست کرد

باید به عرفان پدر باور داشت و اشک مادر را تبس دانست»

اما صد افسوس که قبل از آن که نجمه به طور واقعی شناخته شود و پیش از آنکه از چشمه زلال معرفتش سیراب شویم در حادثه‌ای باور نکردنی در نهایت تأسف و تالم خانواده و دوستان و لیکن در نهایت شادی و رضایت قلبی خودش، چشم از این جهان فانی فرو بست و به دیدار حضرت دوست شتافت. به قول دوست بزرگوار جناب آقای مهندس حسینی:

«نجمه یک قلب ارادتمند بود مردن او مردن لبخند بود

نجمه یعنی دختر دریای نور	دختر ادراک و احساس و شعور
نجمه جزء خاکیان پاک بود	در زمین مثل لگهش افلاک بود
لیک او آهنگ خود را کرد و رفت	بال را در آسمان وا کرد و رفت
سخت باور می شود هجران او	مرگ گل در عنفوان آرزو
یک دلی باید چنان دریای عشق	واندر آن امواج بی پروای عشق
تا کند تفسیر راز مرگ را	ناگهان پژمردن گلبرگ را

گفتنی است برای نجمه در سرودن شعر، بیشتر توجه به مفاهیم مد نظر بود تا رعایت وزن و قواعد. در واقع او شعر را بستر و مسیری زیبا برای جاری ساختن افکار و اندیشه می دانست تا چینش منظم و موزون کلمات بدون پستی و بلندی فکری عمیق. وی در یکی از صفحات دفتر شعرش نوشته است: «آنچه در نظر من مهم است، قدرت بیان افکار به طور دلخواه است. استفاده از قوانین ادبی و شعر میتواند تنها وسیله ای برای نفوذ عمیق تر در اذهان مخاطبان باشد نه خود کمال هدف». به تعبیر استاد ارجمند جناب آقای یعقوب زارع، برای نجمه شعر «آن خوب را» گفتن اهمیت داشت تا شعر «خوب» گفتن. لذا بعضی از سروده ها علی رغم ایراداتی که ممکن است در عروض و قافیه داشته باشند، آگاهانه در این مجموعه آورده شده اند تا بدین طریق دستمان از معانی زیبا و عمیق این اشعار و اندیشه های بلند نهفته در آنها کوتاه نماند و اصلاً معنی فدای لفظ نشود.

امروز آنچه که از او به جز خاطرات زیبا و یاد سخنان پندآموزش، بجا مانده و در اختیار ماست همین اشعار و نوشته های او است که سعی نمودیم با به طبع رساندن دلسروده های زیبای این جوان که بیست بهار بیشتر از عمرش نگذشته بود، همگان را در حظ و لذت خود شریک نماییم باشد که مورد قبول و رضای حضرت حق و مرضی روح بلند نجمه قرار گیرد و همه فرهیختگان و فرهنگ دوستان را سودمند افتد.

روح اله پورحیدری زاده شهر بابک